

## فصل سیزدهم

# از مبارزات توده ای کنونی تا انقلاب سوسیالیستی جهانی

شرایط مادی لازم برای ساختن یک جامعه سوسیالیستی، از جنگ جهانی اول به بعد، وجود داشته است. کارخانه های بزرگ پایه تولید شده اند. تقسیم جهانی کار به سطح بالایی رسیده است. وابستگی مردم به یکدیگر - اجتماعی شدن عینی تولید - به مقیاس وسیعی به دست آمده است. از این رو جانشین شدن نظام مبتنی بر همکاری تمام تولیدکنندگان و برنامه ریزی تولید به منظور ارضاء آگاهانه نیازهای مشخص بجای نظام مالکیت خصوصی، رقابت و اقتصاد آزاد، بطور عینی امکان پذیر گردیده است.

### ۱- شرایط برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی

ولی وجود شرایط مادی لازم برای انجام این انقلاب، به خودی خود برای پیروزی آن کافی نیست. انقلاب سوسیالیستی، بر عکس تمام انقلابات اجتماعی گذشته، کوشش آگاهانه و سنجیده را از سوی طبقه انقلابی، یعنی پرولتاریا، طلب می کند. در حالیکه انقلابات گذشته یک نظام استثمار اقتصادی تولید کنندگان را جانشین نظام دیگری می کردند و می بایست به هموار کردن عملکردهای مکانیسم اقتصادی مشخصی

اكتفا می کردند، انقلاب سوسیالیستی در پی سازماندهی اقتصاد و جامعه مطابق با یک برنامه پیش بینی شده است، یعنی: سازماندهی آگاهانه اقتصاد به منظور ارضای تمام احتیاجات معقول انسان و ضمانت پیشرفت کامل شخصیت تمام افراد بشر.

چنین برنامه ای بخودی خود تحقق نمی پذیرد. این هدف محتاج آگاهی کامل از اهداف و وسائل رسیدن به آن، از سوی طبقه انقلابی است. این بویژه درست است که طبقه کارگر در مبارزه اش برای انقلاب سوسیالیستی، باید با دشمنی طبقاتی مبارزه کند که به مراتب بهتر سازمان یافته، و شبکه جهانی ای از نیروهای نظامی، مالی، سیاسی، بازرگانی و ایدئولوژیکی را برای حفظ سلطه اش در اختیار دارد.

بنابراین، پیروزی موفقیت آمیز انقلابی سوسیالیستی جهانی مستلزم آمادگی دو نوع از شرایط است:

- شرایط عینی: این مستقل از سطح آگاهی پرولتاریا و انقلابیون است. در میان این شرایط، ما آمادگی شرایط اجتماعی و مادی (بر اساس اقتصادی و قدرت کمی پرولتاریا) را قرار می دهیم، که در مقیاس جهانی از پیش از ۱۹۱۴، برای همیشه، تحقق یافته است. شرایط سیاسی نیز جزو این دسته بندی قرار می گیرد. منظور از شرایط سیاسی عبارتست از: ناتوانی طبقه بورژوا برای حاکمیت، افزایش اختلافات داخلی بورژوازی، امتناع طبقات تولید کننده از قبول حاکمیت بورژوازی و شورش فزاینده این طبقات علیه آن. ما متناوباً در کشورهای مختلف و به هنگام بحرانهای پیشانقلابی و انقلابی، به این شرایط عینی سیاسی که لازمه پیروزی انقلاب سوسیالیستی است، برخورد می کنیم.

- شرایط ذهنی: این عبارتست از: سطح آگاهی طبقاتی پرولتاریا، و میزان آمادگی، نفوذ و توانائی رهبری انقلابی آن، یعنی حزب انقلابی پرولتاریا.

می توان نتیجه گرفت که پیروزی انقلابات سوسیالیستی، از نظر عینی، در مواقع بیشماری در بسیاری از کشورها بعد از جنگ جهانی اول امکان پذیر بوده است.

کافی است نگاهی به کشورهای صنعتی پیشرفته بیافکنیم: آلمان در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۱۸ و ۱۹۲۳، و احتمالاً نیز در سالهای ۱۹۳۲ - ۱۹۳۰، ایتالیا در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۱۹، ۱۹۴۸ - ۱۹۴۶، و در سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۶۹، فرانسه در سال ۱۹۳۶، در سالهای ۱۹۴۷ - ۱۹۴۴، در ماه مه ۱۹۶۸، بریتانیای کبیر در سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۱۹، در سال ۱۹۲۶، و در سال ۱۹۴۵، اسپانیا در سالهای ۱۹۳۷ - ۱۹۳۶ و غیره.

از طرف دیگر، شرایط ذهنی برای پیروزی انقلاب آماده نبودند. بنابراین فقدان پیروزی های انقلابی در غرب تاکنون، اساساً نتیجه "بحران عامل ذهنی در تاریخ"، یعنی بحران آگاهی طبقاتی و رهبری انقلابی پرولتاریا بوده است.

### ۲- ساختن بین الملل چهارم

تروتسکی و عده قلیلی از کمونیستهای اپوزیسیون، با شروع از چنین تحلیلی که بر اساس شکست تاریخی اصلاح طلبی و استالینسم در رهبری کردن پرولتاریا به پیروزی استوار بود، در سال ۱۹۳۳، وظیفه ایجاد یک رهبری انقلابی نوین برای پرولتاریای جهان را هدف خود قرار دادند. آنها در سال ۱۹۳۸ بین الملل چهارم را برای این منظور پایه گذارند.

بین الملل چهارم هنوز آن بین الملل توده ای انقلابی نیست که بتواند به تنهایی بمثابه ستاد کل واقعی انقلاب جهانی عمل کند. ولی به خاطر فعالیت‌های پیگیرانه آن در مبارزات طبقاتی شصت کشور، برنامه چنین بین الملل توده ای انقلابی را، از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده، صیقل داده و آن را ارتقاء می بخشد. کادرهايش را از طریق فعالیت‌های بی شمار خود و بر اساس این برنامه پرورش می دهد. بدین ترتیب، بین الملل چهارم عماداً و تماماً وحدت تجربیات و آگاهی انقلابیون را در مقیاس جهانی تشویق می کند. و به آنها می آموزد که در عوض اینکه به عبث منظر

فرارسیدن خودبخودی چنین وحدتی از طریق قیام نیروهای انقلابی در کشورها و نواحی مختلف جهان باشند- که هر کدام مستقل از یکدیگر رشد می کنند- در یک سازمان جهانی واحد فعالیت و عمل کنند.

بین الملل چهارم صرفاً در انتظار "فرارسیدن روز موعود" ننشسته و در این بین وقت خود را بیهوده به وررفتن با برنامه نمی گذارند. بین الملل نه خود را به تبلیغ مجرد برنامه‌هاش محدود می کند و نه اینکه توانائیش را در فعالیت و تهییج عقیم که محدود به پشتیبانی از مبارزات فوری توده های استعمار شده باشد، به هدر می دهد.

ساختن احزاب انقلابی جدید و بین الملل انقلابی جدید وظایف زیر را با هم ترکیب می کند: دفاع پیگیر از برنامه مارکسیسم انقلابی، که درسهای تمام تجربیات گذشته مبارزه طبقاتی را گردآورده است، به تبلیغ و تهییج برای یک برنامه عمل، بخشی از برنامه مارکسیسم انقلابی کلی ای که تروتسکی آن را برنامه خواسته‌های انتقالی نامید و بر اساس اصولی تدوین شده است که بوسیله رهبران بین الملل کمونیست در سالهای اول پیدایش آن بکار برده شد، و دخالت مداوم در مبارزات توده ها بمنظور جلب آنها، از طریق تجربه خودشان، به قبول این برنامه عمل، و دادن اشکال سازمانی به این مبارزات که به آنها ساختن شوراهای کارگری را در شرایط بحران انقلابی بیاموزد.

ضرورت یک بین الملل انقلابی که بیش از جمع جبری کل احزاب انقلابی ملی باشد، مبتنی بر پایه های مادی محکمی است. عصر امپریالیسم، عصر اقتصاد جهانی، سیاستهای جهانی و جنگهای جهانی است. امپریالیسم نظام بین المللی بهم پیوسته ای است. نیروهای تولیدی دیر زمانی است که بین المللی شده اند. سرمایه، بگونه ای روزافزون، بطور بین المللی در شرکتهای چند ملیتی سازمان می یابد. دولتهای ملی دیر زمانی است که مانع راه پیشرفت تولید و تمدن گردیده است. مسایل عظیم بشریت (مانعت از جنگ جهانی هسته ای؛ از بین بردن گرسنگی؛ برنامه

ریزی رشد اقتصادی؛ تقسیم منصفانه منابع و درآمد بین تمام مردم؛ حفاظت از محیط زیست؛ استفاده از علم برای مردم)، فقط در یک مقیاس جهانی قابل حل هستند.

پر واضح است که در این شرایط، پیشرفت به سوی سوسیالیسم با نیروهای پراکنده، خیالی بیش نیست، نبرد علیه دشمنی که در مقیاس جهانی سازمان یافته است، در حالیکه ما هر گونه هماهنگی بین المللی پروژه های انقلابی خودمان را تحقیر می کنیم، خیال است، حتی آروزی شکست دادن کمپانیهای بین المللی از طریق مبارزات کارگری که محدود به یک کشور باشد توهم است.

بعلاوه، مبارزات انقلابی دارای تمایل عینی و خودبخودی به سوی گسترش بین المللی است. و این نه تنها بعلت و اکنش به مداخلات دشمن طبقاتی است، بلکه بالاتر از همه، به این علت است که مبارزات انقلابی برانگیزاننده کارگران بسیاری از کشورها است. به تعویق انداختن مستمر ایجاد یک سازمان بین المللی واقعی متشکل از انقلابیون صرفاً نه تنها عقب ماندن از ضروریات عینی عصر ما است، بلکه همچنین عقب ماندن از گرایشات خودبخودی پیشرفته ترین بخش های خود توده ها نیز میباشد.

### ۳- خواستهای فوری، خواستهای انتقالی

استثمار سرمایه داری و ستم امپریالیستی در عصر ما همواره توده ها را به سمت مبارزات عمده بر می انگیزند. لیکن بطور کلی، توده ها به خودی خود، از فرموله کردن فوری ترین اهداف این مبارزات، از قبیل دفاع از و یا مبارزه برای افزایش دستمزدهای واقعی، دفاع از و یا مبارزه برای کسب برخی آزادی های دموکراتیک اساسی، سرنگون کردن حکومتهای فوق العاده ستمگر و غیره، فراتر نمی روند.

برای جلوگیری از گسترش مبارزات تا بدانجا که کل استثمار سرمایه داری را تهدید کند، بورژوازی می تواند امتیازاتی به توده درگیر مبارزه اعطا کند.

بورژوازی حتی به اعطاء این امتیازات مشتاق است، زیرا که وسایل متعددی برای خنثی کردن آنها در اختیار دارد. او با یک دست می دهد و با دست دیگر پس می گیرد. اگر بورژوازی افزایش دستمزدها را بپذیرد، با افزایش قیمت‌ها سود را دست نخورده باقی می گذارد. اگر ساعات کار کاهش بیابند، آهنگ و سرعت کار را افزایش می دهد. اگر کارگران موفق به کسب امتیازاتی برای رفاه و امنیت اجتماعی بشوند، مالیات‌ها می توانند به گونه ای افزایش یابند تا خود کارگران تمام هزینه را برای چیزی که بنظر می رسد دولت از خود می پردازد، بپردازند. و غیره.

بمنظور رهائی از این دایره شیطانی، باید توده ها را به اتخاذ خواسته‌های انتقالی، به مثابه اهداف مبارزات جاری آنان جلب کرد. خواسته‌هایی که تحقق آنها بیشتر و بیشتر با عملکردهای طبیعی اقتصاد سرمایه داری و دولت بورژوازی ناسازگار می شوند. این خواسته‌ها باید چنان فرموله شوند تا توده ها آنها را بفهمند. چون در غیر اینصورت آنها صرفاً خواسته‌هایی به روی کاغذ، باقی می مانند. در عین حال این خواسته‌ها باید از چنان ماهیتی برخوردار باشند که محتوی آنها و عمق مبارزه ای که از آن ناشی می شود، مبارزه طلبی علیه کل نظام سرمایه داری، ایجاد ارگانهای خود-سازماندهی توده ها، و ارگانهای قدرت دو گانه را برانگیزد. خواسته‌های انتقالی- از قبیل خواست کنترل کارگری- نه تنها در شرایط بحرانهای حاد انقلابی حائز اهمیت هستند، بلکه دقیقاً به ایجاد چنین بحرانهای انقلابی گرایش دارند، چرا که هم در عمل و هم در آگاهی کارگران، آنها را به مبارزه طلبی نظام سرمایه داری تشویق می کنند.

### ۴- سه بخش کنونی انقلاب جهانی

پرولتاریای جهان، به دلیل تأخیر انقلاب سوسیالیستی در کشورهای پیشرفته صنعتی، خود را با وظائف متفاوتی در بخشهای مختلف جهان، مواجه می بیند.

در کشورهای مستعمره و شبه مستعمره، کارگران و دهقانان فقیر نمی‌توانند صبر کنند تا کارگران کشورهای صنعتی به کمک آنها بیایند. انفجار مبارزات گسترده توده‌ای و جنبشهای انقلابی وسیع در این کشورها که امپریالیسم فشار زیاد فقر و بدبختی را بر توده‌ها تحمیل می‌کند، اجتناب‌ناپذیر است. کارگران باید از هر جنبش توده‌ای ضد امپریالیستی پشتیبانی کنند. خواه علیه سلطه سیاسی خارجی یا علیه استثمار توده بوسیله تر استهای خارجی باشد، و خواه برای انقلاب دهقانی یا نابود کردن دیکتاتوری‌های بومی مبارزه کند. پرولتاریا که با شور و قاطعیت، خواستهای مترقی کلیه طبقات و اقشار ستمدیده کشور را از آن خود تلقی می‌کند، بدین ترتیب رهبری این جنبشهای توده‌ای را کسب کرده، در ضمن مبارزه برای تسخیر قدرت، مالکیت و قدرت بورژوازی ملی را سرنگون می‌کند. این است استراتژی انقلاب مداوم.

در *بولتهای کارگری بوروکراتیک*، توده‌ها برای بدست آوردن آزادیهای دموکراتیک، علیه انحصار بوروکراسی بر اعمال قدرت، علیه ظهور مجدد ستم ملی، علیه فساد، اتلاف، و امتیازهای مادی که مشخصه مدیریت بوروکراتیک اقتصاد می‌باشد، بپا می‌خیزند. آنها خواستار اداره دولت کارگری توسط خود کارگران هستند. و این از طریق تشکل در شوراهای (سوویت‌ها) کارگری است که در آنها تعدد احزاب و حقوق دموکراتیک برای همه موجود است. آنها خواستار اداره اقتصاد با برنامه از طریق نظام کارگری‌ای هستند که بطور دموکراتیک مرکزیت یافته باشد. این استراتژی انقلاب سیاسی ضد بوروکراتیک است.

در کشورهای *امپریالیستی*، جنبشهای توده‌ای علیه استثمار سرمایه‌داری، علیه تحدید یا سرکوب حقوق دموکراتیک، از طریق برنامه انتقالی و ساختن رهبری نوین انقلابی، به مبارزه برای سرنگونی دولت بورژوازی و استثمار سرمایه، برای

مالکیت جمعی و سائل تولید و برنامه ریزی سوسیالیستی، یعنی به انقلاب سوسیالیستی پیروزمند مبدل می شود. این استراتژی انقلاب اجتماعی پرولتاریا است. وظایف مختلفی که در بخش های مختلف جهان در مقابل پرولتاریا و انقلابیون است. وظایف انقلاب مداوم در کشورهای عقب افتاده، وظایف انقلاب سیاسی ضد بوروکراتیک در دولتهای کارگری بوروکراتیک، وظایف انقلاب پرولتاریائی در کشورهای امپریالیستی - باری این وظایف مختلف *بازتاب انکشاف ناموزون و مرکب انقلاب جهانی* است. این انقلاب در تمام کشورها هم زمان شروع نمی شود. شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در تمام کشورها یکسان نیستند.

وحدت بخشیدن تدریجی به این سه فرآیند انقلابی در یک جریان واحد انقلاب سوسیالیستی جهانی، بالاترین وظیفه مارکسیستهای انقلابی است. این وحدت امکان پذیر است، زیرا فقط یک طبقه اجتماعی، پرولتاریا، می تواند وظایف تاریخی مشخص انقلاب را در هر یک از بخشهای نامبرده، پیروزمندانه به پیش ببرد. این وحدت بموجب تعالیم و سیاستهای *انترنسیونالیستی* پیشتاز انقلابی تحقق خواهد پذیرفت. پیشتاز انقلابی که تجارب بیشتر و بیشتر همبستگی بین المللی کارگران و مردم تحت ستم تمام کشورها را در خدمت مبارزات کنونی می گذارد و به منظور القاء این آگاهی انترناسیونالیستی به توده های وسیعتر، بطور شیوه دار علیه هر نوع شوونیسم، نژادپرستی و تعصبات ناسیونالیستی مبارزه می کند.

### ۵- دموکراسی کارگری، خود سازماندهی توده ها و انقلاب

#### سوسیالیستی

یکی از جنبه های مهم عمل مستقیم توده ها، از قبیل اعتصابات یا بسیج های توده ای، بالا رفتن سطح آگاهی آنها از طریق کسب اعتماد بنفس است.



کارگران، دهقانان فقیر، صنعتگران کوچک، زنان، جوانان، اقلیت‌های نژادی و ملی، همه هر روزه از طرف گروهی از صاحبان قدرت تحت استثمار، ظلم و فشار قرار می‌گیرند. آنها در این جریان، احساس می‌کنند که شورش غیر ممکن و بیهوده است، که دشمنانشان بیش از حد قوی هستند، که "سرانجام همه چیز به حالت اول برمی‌گردد." ولی این ترس، این احساس حقارت و ناتوانی، ناگهان در گرماگرم بسیج‌ها و مبارزات توده‌ای عظیم شروع به ناپدید شدن می‌کنند. توده‌ها به محض اینکه بطور جمعی و در همبستگی با یکدیگر عمل می‌کنند، و به محض اینکه خود و مبارزانشان را بطور مؤثر سازمان می‌دهند، از نیروی بالقوه عظیم خود آگاه می‌شوند.

بهمین دلیل است که مارکسیست‌های انقلابی به هر چیزی که اعتماد بنفس توده‌ها را افزایش دهد، به هر چیزی که به آنان کمک کند تا از قید اطاعت و رفتار برده‌وار که از طریق هزاران سال تسلط طبقات صاحب قدرت بر آنان اعمال شده است رهایی یابند، اهمیت بسیار زیادی می‌دهند. "برخیز ای داغ لعنت خورده!": این کلمات مصرع اول سرود "انترناسیونال"، بیانگر عالی این انقلاب روانی است که لازمه پیروزی انقلاب سوسیالیستی است.

مجامع دموکراتیک اعتصابیون برای انتخاب کمیته‌های اعتصاب، و مکانیسم‌های مشابه در اشکال دیگر فعالیت‌های توده‌ای، نقش حیاتی در گسترش و پیشرفت خود-سازماندهی توده‌ها بازی می‌کنند. در این مجامع، توده‌ها خود-حکومتی را می‌آموزند. در جریان فرا گرفتن رهبری کردن مبارزات خود، آنها می‌آموزند که چگونه دولت و اقتصاد آینده را اداره و کنترل کنند. از این رو اشکال سازماندهی که توده‌ها به آن‌ها می‌گیرند، اشکال جنبینی شوراها کارگری آینده، سوویت‌های آینده، هستند. یعنی اشکال اساسی سازماندهی دولت کارگری آینده.

اتحاد در عمل لازم برای بسیج نیروهای پراکنده کارگران، آن جریان قدرتمند متحد کننده که در بسیج ها و فعالیتهای توده ای عظیم میلیونها نفر را که به عمل دسته جمعی خو نگرفته اند، با هم متحد می کند- باری این اتحاد بدون اجرای گسترده ترین دموکراسی کارگری، غیر قابل حصول است. کمیته اعتصابی که بطور دموکراتیک انتخاب شده است، طبق تعریف، باید تجلی عقاید کلیه اعتصابیون در کارخانه، صنعت، شهر، ناحیه یا کشوری که در اعتصاب است باشد. محروم کردن نمایندگان هر گروه مشخصی از کارگران، به بهانه اینکه نظریات فلسفی و سیاسی آنها مخالف نظریات فلسفی و سیاسی رهبران موقت اعتصاب است، به معنی شکستن اتحاد اعتصاب و بنابراین به معنی شکستن خود اعتصاب می باشد.

همین اصل در مورد تمام اشکال فعالیتهای توده ای و در مورد اشکال نهادهای نمایندگی ای که در جریان این فعالیتهای ظاهر می شوند، نیز صادق است. اتحاد لازم برای پیروزی در گرو دموکراسی کارگری است- یعنی اصل مستثنی نکردن هر گرایشی که در بین مبارزین وجود دارد. همه باید حق دفاع از نظریات و پیشنهادات خود را بمنظور پیروز گرداندن مبارزه، داشته باشند.

اگر به این دموکراسی احترام گذاشته شود، در عوض اقلیتها به تصمیمات اکثریت احترام خواهند گذاشت. زیرا آنان هنوز فرصت تغییردهی در این تصمیمات را در پرتو تجربه خواهند یافت. از طریق این تأیید دموکراسی کارگری، اشکال دموکراتیک سازماندهی مبارزات کارگران، همچنین بیانگر خصلت ویژه دولت کارگری آینده هستند: گسترش آزادیهای دموکراتیک و نه تحدید آن.